

نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی و ضرورت ایجاد آن در کردستان

فریبا سلامی

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه کردستان

Faribasalami@gmail.com

زهرا ضرونی

کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه کردستان

Zahrazarouni@gmail.com

فایق رادین

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی-بازرگانی داخلی

Radin.fayaq@gmail.com

چکیده

مناطق آزاد تجاری- صنعتی را باید پلی بین اقتصاد ملی و بین‌الملل در نظر گرفت که از یک‌سو با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پایه توسعه صادرات را استحکام بخشیده و از طرف دیگر با بهره‌گیری از منابع و استعدادهای بالقوه کشور، مزیت‌های نسبی اقتصاد را در زمینه اقتصاد بین‌الملل به بالفعل تبدیل می‌کند. هدف از ایجاد و توسعه مناطق آزاد؛ افزایش و توسعه صادرات، ایجاد اشتغال، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و انتقال تکنولوژی، افزایش درآمدهای عمومی، افزایش توریسم، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور و بهره‌مندی از اقتصاد رقابتی است. مناطق آزاد یا مناطق پردازش صادرات به‌عنوان راهکارهایی برای تغییر جهت کلی اقتصاد از درون‌گرایی به برون‌گرایی و تجارت آزاد، مورد استفاده اغلب کشورهای رو به رشد قرار گرفته است. یکی از عوامل موفقیت مناطق آزاد، شناسایی توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه هر منطقه، مختلف به‌منظور تعیین نقاط مناسب برای تبدیل‌شدن به منطقه آزاد تجاری-صنعتی است. با توجه به موقعیت استراتژیک کردستان (مرزی بودن و هم‌جواری با عراق و اقلیم کردستان) و برخورداری از ظرفیت‌های مناسب منطقه آزاد، توانایی تبدیل‌شدن به دروازه‌ی تجاری ایران را دارد. در مقاله حاضر سعی خواهد شد ضمن نشان دادن جایگاه تئوریک، انگیزه و ضرورت تأسیس منطقه آزاد تجاری در مناطق کردنشین با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بررسی گردد.

کلیدواژه: مناطق آزاد تجاری، توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری، کردستان.

Role of Free Zone in Economic Development and Necessity for Its Establishment in Kurdistan

Fariba salami

M.A.Student in Economic Sciences, University of kurdestan

faribasalami@gmail.com,

Zahra zarouni

M.AStudent in Economic Sciences, University of kurdestan

zahrazarouni@gmail.com

Fayegh Radin

Radin.fayaq@gmail.com

Abstract

The free-trade zones should be considered as a bridge between national and international economy which from one hand strengthens the base of export expansion by attracting the direct foreign investment; and the other hand, actualizes the relative economical merits in the field of international economy by using potential resources and capacities of the country. In our country, forming Free zones and felling them develop are considered as a very effective element in opportunities and developing of exports, promoting employment, getting the domestic and foreign investments, increasing the general income and tourism, improving the economic stand of the country and also complying with a competitive economy. Export Processing Zones (EPZs) have been adopted by many developing countries to move from inward looking toward outward looking strategies. One of the success factor of free zone is that,identifying potential ability and skills of each diffrent region to determine appropriate location in order to becom the free trade_industry zone. Regarding the strategic position oh kurdistan(neiboring and border with iraq and kurdistan region) and having the appropriate capacities of free zone,it can becom commercial gateway to iran. In this paper ,besides showing theoretical position, We will try to study motivation and necessity of establishing free trade zone by means of descriptive_analytical in kurdish areas.

Keyword(s): Free Trade Zone, Economic Development, Investment, Kurdstan.

مقدمه

مهم‌ترین اهداف دولت‌ها رسیدن به رشد اقتصادی و فراهم کردن خدمات عمومی و افزایش رفاه جامعه می‌باشد و جامعه‌ای که متشکل از جمعیت جوان و بیکار باشد، برای رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی نیازمند برنامه‌های مدون و دقیقی است تا بتواند نیازمندی‌های جامعه را پاسخ دهد. با توجه به جمعیت جوان کشور و افزایش بیکاری، محدودیت درآمدهای ارزی و وابستگی زیاد به درآمدهای نفتی باید این واقعیت مورد توجه قرار گیرد که توسعه و عمران کشور نیازمند منابع جدیدی است که امکانات بالقوه و خفته‌ی کشور را با استفاده از پیشرفت دانش و تحولات تکنولوژیکی و هم سو با روند توسعه و گسترش ارتباطات با دیگر ملل دنیا، فعال و بیدار کند و فاصله‌ها را حداقل نماید. با پیشرفت و توسعه ارتباطات در شرایط اکنون، مرزبندی‌ها و بلوک‌بندی‌های گذشته مفهوم خود را از دست داده است و جریان سیال و شناور سرمایه هر روز روند پرشتاب‌تری را به خود می‌گیرد. مسلم است برای تطبیق با شرایط نوین اقتصادی دنیا به سرمایه‌گذاری‌های اصولی و منطقی نیازمندیم.

در کشورهای درحال توسعه، تردید در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی از طریق صادرات کالاهای اولیه باعث شد که بسیاری از کشورها بعد از جنگ جهانی دوم تئوری‌های سنتی تجارت، مبنی بر تخصص یافتن کشورهای درحال توسعه در تولید و صدور کالاهای اولیه را کنار گذاشته و در جهت صنعتی شدن تلاش نمایند. به این دلیل، با هدف توسعه صادرات صنعتی، ایجاد اشتغال و انتقال تکنولوژی از طریق جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی اقدام به تأسیس مناطق آزاد نمودند.

مناطق آزاد تجاری در دنیا پدیده تازه‌ای نیست و به گذشته‌های دور یعنی اوایل قرن هجدهم برمی‌گردد. سنگاپور در سال ۱۷۰۴ و هنگ کنگ در سال ۱۸۴۲ صاحب مناطق آزاد تجاری بودند امروز هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای کم توسعه‌یافته مناطق آزاد تجاری به وجود آمده‌اند؛ بنابراین این مناطق تنها اختصاص به کشورهای جهان سوم ندارند و در کشورهای پیشرفته مخصوصاً در ایالات متحده آمریکا تعدادشان بسیار زیاد است. بر طبق آخرین آمارهای موجود در سال ۱۹۸۴، ۳۴۴ منطقه ویژه تجاری در دنیا وجود داشت که عمده‌ترین آن‌ها ۷۵ منطقه تجاری بوده‌اند و در سال ۱۹۸۶، ۱۱۰ منطقه آزاد تجاری - صنعتی در دست احداث یا برنامه‌ریزی بوده است. در بیست سال اخیر (دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰) در مفهوم مناطق آزاد تجاری تحولی ایجاد گردیده است به طوری که امروزه مفهوم آن گسترده‌تر از تجارت صرف می‌باشد و تولید و تجارت هر دو را شامل می‌شود. در بین کشورهای آسیایی، هندوستان نخستین کشوری بود که مبادرت به ایجاد منطقه آزاد تجاری کرد. دومین کشور آسیایی که در سال ۱۹۶۸ منطقه آزاد برپا نمود، سنگاپور و پس از آن فیلیپین بود. مالزی در دهه ۱۹۷۰، ده منطقه آزاد تأسیس نمود و پس از آن کره پنجمین کشور آسیایی بود که در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ مناطق آزاد را تأسیس کرد. تایلند در ۱۹۷۷ نخستین منطقه آزاد را ایجاد نمود و چین نیز در دهه ۱۹۸۰ به دنبال ایجاد منطقه آزاد تجاری رفت (شادی طلب، ۱۳۷۰).

در دو دهه اخیر با رشد سریع این مناطق به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، نقش و جایگاه مناطق آزاد عموماً به‌عنوان یک موضوع مهم از دیدگاه دولت‌مردان و سیاست‌گذاران، به‌ویژه به‌عنوان ابزار کارآ برای توسعه ملی و منطقه‌ای و همچنین قلمروی مطلوب از نقطه نظر تخصیص بهینه امکانات و منابع و فضای مناسب جهت آزمون سیاست‌های موردنظر در حوزه‌ای محدودتر و بالاخره کانالی تعیین‌کننده برای ایفای نقش فعال‌تر در صحنه مبادلات تجاری و صنعتی، مخصوصاً در عرصه منطقه‌ای و جهانی بوده است. البته نقش و جایگاه مناطق آزاد در توسعه ملی و شکوفایی صنعتی با توجه به تجربه متفاوت حاصله از سه دهه گذشته که از ظهور این پدیده در میان کشورهای درحال توسعه می‌گذرد می‌تواند در یک طیف گسترده از بسیار مؤثر و کارا تا حد بی‌اثر و بعضاً زیان‌بار متفاوت باشد (محمد خوش‌چهره).

مناطق آزاد صنعتی یا مناطق پردازش صادرات به عنوان یکی از ابزارهای گسترش صادرات صنعتی و تسهیل دسترسی کشورها به بازارهای جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرند. برخورداری کالاهای صادراتی از شرایط تجارت آزاد می‌تواند نقش مهمی در توسعه صادرات داشته باشد که برای فراهم ساختن شرایط تجارت آزاد، مناسب‌ترین روش مناطق آزاد تجاری هستند. بسیاری از کارشناسان بر این عقیده‌اند که ایجاد مناطق آزاد تجاری-صنعتی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، امکانات جدیدی را برای

افزایش صادرات فراهم می‌آورد، سبب ایجاد اشتغال شده و انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی را به دنبال داشته و موجب افزایش درآمد ملی و درآمد ارزی می‌شود.

این مقاله با نگاهی گذرا به پیشینه مطالعه‌ی مناطق آزاد، تئوری‌های تجارت آزاد، استراتژی‌های توسعه ادامه می‌یابد و سپس بازرگانی خارجی ایران به تفکیک استان‌ها، ضرورت ایجاد منطقه آزاد در کردستان مورد بررسی قرار خواهد داد. در پایان، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

پیشینه تحقیق

در این قسمت از پژوهش، به بررسی پژوهش‌های انجام‌گرفته در دوره‌های قبلی به تفکیک داخلی و خارجی پرداخته می‌شود.

مطالعات داخلی

بهرامی و خوش‌منش (۱۳۹۵) با استفاده از آزمون آماری اسپیرمن به مطالعه‌ی رابطه بین توسعه و ارتقای امنیت در مناطق آزاد تجاری (مطالعه‌ی موردی منطقه آزاد تجاری- صنعتی بندر انزلی) پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه‌ی معنی‌داری بین کسب فرصت‌های جدید شغلی) توسعه خدمات خرده‌فروشی، توسعه خدمات عمده‌فروشی، توسعه مناطق توریستی و... با ارتقای امنیت و همچنین با کاهش قاچاق در سطح منطقه وجود دارد. پس ضمن حیاتی بودن تأسیس منطقه آزاد و آثار مثبت اقتصادی و رفاهی آن، منطقه آزاد بندر انزلی به دلیل فراهم بودن بسترهای لازم، توانسته است در زمینه ارتقای امنیت و کاهش قاچاق در سطح منطقه‌ای و ملی و حتی بین‌المللی نقشی اساسی ایفا نماید.

سید علی پور و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی سیاست‌ها و راهبردهای توسعه گردشگری در مناطق آزاد تجاری با تأکید بر نظم و امنیت اجتماعی: مطالعه موردی منطقه آزاد قشم پرداختند. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از مدل SWOT انجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش بیانگر این است که تدوین طرح جامع گردشگری و راهبردها و سیاست‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند با شناسایی نقاط قوت و فرصت‌ها، زمینه شکوفایی گردشگری را فراهم نماید و از طرفی تهدیدات و نقاط ضعف را به حداقل برساند. کمبود امکانات و خدمات در سایت‌های پارک طبیعت، عدم تبلیغات در رسانه‌های داخلی و خارجی، نبود نیروی انسانی متخصص در زمینه گردشگری در بدنه منطقه آزاد قشم و عدم جذب سرمایه‌گذار خارجی از مهم‌ترین مشکلات بخش گردشگری در منطقه آزاد قشم است. همچنین در زمینه امنیت اجتماعی در آینده منطقه آزاد با مشکلاتی مواجه خواهد بود و در صورت فقدان اقدامات اصولی، ناامنی در مناطق گردشگری افزایش خواهد یافت.

رستم گورانی و همکاران (۱۳۹۲) به پژوهش با هدف بررسی جایگاه مناطق آزاد تجاری جزیره قشم در توسعه پایدار و امنیت اجتماعی پرداخته‌اند. روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و آمار مستند در مرکز آمار ایران انجام گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از این است که با ایجاد منطقه آزاد قشم شاخص‌های توسعه اجتماعی و نماگرهای اقتصادی مانند گسترش بازارهای تجاری، اسکله‌ها، گمرک‌ها، اشتغال روند رو به رشدی داشته‌اند، از طرف دیگر، با وجود تأثیرات مثبت حاصل از ایجاد منطقه آزاد قشم در برخی از شاخص‌های امنیتی و جرم نظیر قاچاق کالا، فروش مشروبات الکلی و غیره افزایش یافته است.

پور زمانی و نادری (۱۳۹۰) با استفاده از آزمون فرضیه کالموگروف - اسمیرنوف و آزمون t به تأثیر عوامل پذیرش، توانایی و اختیار بر بودجه‌ریزی عملیاتی (مورد مطالعه: مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران) پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین رتبه ارزیابی زنان و مردان تفاوت معناداری ندارند. همچنین نتایج گویای این مطلب است که میانگین رتبه ارزیابی گروه‌های سنی و پست سازمانی و سطح تحصیلات از متغیرهای مورد بررسی تفاوت معناداری ندارند. با توجه به آزمون

فرضیه‌های اصلی تحقیق در حال حاضر سازمان مناطق آزاد تجاری- صنعتی توانائی و اختیار و پذیرش لازم برای اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی را ندارد.

افتخاری و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله ارزیابی و اولویت‌بندی مناطق آزاد تجاری ایران با استفاده از روش MADM به‌منظور تخصیص هر چه بهینه‌تر منابع اقتصادی کشور، اولویت‌بندی مناطق آزاد برای سال ۱۳۸۳ مورد آزمون قرار گرفته و سپس با استفاده از روش‌های مختلفی چون (بوردا، کوپلند و پوزت) رتبه‌بندی نهایی مناطق صورت گرفته است. نتایج به دست آمده از ترکیب روش‌های مذکور حاکی از آن است که منطقه آزاد کیش از بالاترین رتبه برخوردار بوده و پس از آن به ترتیب مناطق آزاد قشم و چابهار قرار دارند، از این‌رو می‌توان به افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و دستیابی به بازار جهانی و منطقه‌ای با استفاده از این رتبه‌بندی توجه کرد

التجایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی مناطق آزاد تجاری و صنعتی به مقایسه‌ای اجمالی میان اهداف، بستر شکل‌گیری، محتوای سیاست‌های انگیزشی و کمک این مناطق به توسعه صادرات با مطالعه‌ی تجربه سه کشور کره جنوبی، چین و هند و ایران پرداخته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد کشورهای کره جنوبی و چین راهکار مناطق آزاد را در چارچوب راهبردهای کلی توسعه اقتصادی خود بکار گرفته‌اند و همچنین رمز موفقیت آن‌ها بوده است. در حالی که ایران هنگام تأسیس این مناطق از راهبرد توسعه مشخصی؛ به‌ویژه توسعه صادرات، پیروی نمی‌کرد و به‌رغم در نظر گرفتن سیاست‌های انگیزشی مشابه کشورهای دیگر و حتی در مواردی بهتر از آن‌ها، تاکنون نتوانسته از مناطق آزاد به عنوان ابزارهای کارآمد توسعه صنعتی، افزایش صادرات و گسترش تجارت آزاد استفاده کند.

اسفندیاری و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق" با استفاده از روش پنل دیتا عملکرد اقتصادی مناطق آزاد سه‌گانه کیش، قشم و چابهار در فاصله زمانی ۸۳-۱۳۷۲ مورد ارزیابی قرار دادند. بررسی‌ها نشان داد بخش عمده‌ای از هزینه ایجاد زیرساخت‌ها و تأسیسات زیربنایی به منطقه آزاد کیش اختصاص یافته و این منطقه در جذب درآمد ارزی ناشی از توریسم خارجی و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نسبت به سایر مناطق پیشرو بوده است. منطقه آزاد قشم در جذب ۹۹٪ درآمد ارزی ناشی از صادرات کالا در مناطق آزاد ایران فعالیت عمده‌ای داشته است. عملکرد مناطق آزاد چابهار در زمینه عوامل مذکور به دلیل عدم وجود زیرساخت‌ها و محرومیت شدید منطقه بسیار ضعیف بوده و این منطقه نتوانسته است به هدف اصلی خود که ترانزیت کالا است، دست یابد. در مجموع مناطق آزاد سه‌گانه، به‌رغم داشتن زمینه‌ها و توان بالقوه برای توسعه و پیشرفت به دلیل ضعف امکانات و تأسیسات زیربنایی، عدم منابع تأمین درآمد، عدم ثبات سیاسی، عدم جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، عدم جایگاه تعریف‌شده در برنامه‌های کلان و راهبردهای توسعه اقتصادی کشور، نتوانسته‌اند عملکرد موفق‌تری ارائه نمایند.

مطالعات خارجی

جی و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی اثر مناطق آزاد-تجاری جدید بر توریسم هنک‌کنگ و منطقه شانگهای پرداخته است. نتایج بیانگر آن است که اثرات سطح خرد گردشگری در زمینه کلان توسعه منطقه آزاد تجاری در نظر گرفته می‌شود و همچنین هنگ‌کنگ باید در مناطقی که از توسعه اقتصادی مناطق آزاد حمایت می‌کنند، یکپارچه‌سازی نزدیک‌تری در توسعه چینی به دنبال، تنوع محصولات گردشگری فعلی آن و بهره‌برداری از نظریه فنی گردشگری داشته باشند.

چیو و همکاران (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای به ارزیابی یک بندر منطقه تجارت آزاد در تایوان و عوامل مؤثر بر فعالیت‌های کسب‌وکار و درجه اهمیت آن‌ها برای بهبود محیط عملیاتی در FTZ^۱ با استفاده از IPA^۲ پرداختند. بهره‌وری دولت، نرخ ارز و اتهامات، آداب و رسوم روش ساده شده، مقررات روشن و مشوق‌های مالیاتی رایگان، پنج عامل با درجه بالایی اهمیت عملیات

^۱ Free Trade Port Zone

^۲ Importance Performance Analysis

کسب و کار در FTPZ شناخته شدند. علاوه بر این، نتایج نشان دادند که شرکت‌ها در FTPZ عملکردشان را از لحاظ شهرت، سرمایه‌گذاری، رضایت مشتری و درآمد افزایش داده بودند.

باردبوری^۳ (۲۰۱۰)، مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی برنامه تجارت آزاد و امن در طول مرز کانادا و آمریکا، به سنجش یکی از برنامه‌هایی که از سال ۲۰۰۱ م، جهت افزایش تجارت امن و کارآمد، در طول مرزهای آمریکا و کانادا اجرا شده، پرداخته است. بر اساس ارزیابی‌ها، این برنامه موجب کاهش میانگین زمان انتظار در ۴ نقطه از ۵ نقطه در طول این مرز و نیز موجب افزایش سود و کاهش هزینه‌ها شده است.

آرادونا آگارول (۲۰۰۵) مقاله‌ای عملکرد مناطق پردازش صادرات شمال آسیا را در سه کشور هند، سریلانکا و بنگلادش مقایسه نمود. در این تحقیق عواملی چون: مکان‌یابی مناطق، کیفیت زیرساخت‌ها، کیفیت حکومت، سیاست امتیازات و ویژگی‌های خاص منطقه، تأثیر مستقیمی بر موفقیت این‌گونه مناطق در سه کشور دارد. تجزیه و تحلیل عوامل مذکور در قالب مدل‌های اقتصادسنجی با استفاده از آماره‌های توصیفی ترکیبی سه کشور، در دو سطح کشور و منطقه صورت گرفت.

روبرت سینکولار (۲۰۰۱) در مقاله‌ای اثر ایجاد منطقه پردازش صادرات را در ساختار عدم اشتغال مدل هریس تودارو بررسی نمود. هدف او در این مقاله کاهش اثرات زیان‌بار ایجاد مناطق پردازش صادرات در کشور میزبان می‌باشد.

مبانی نظری

۱. تئوری تجارت بین‌الملل

اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت و جان استوارت میل طرفدار تجارت آزاد بودند، معتقد بودند که تجارت آزاد بین‌المللی رفاه جهان را حداکثر می‌کند. اسمیت معتقد بود اگر هر کشور در تولید کالایی که در آن کارایی بیشتری دارد، تخصص یابد و مازاد کالای تولیدی خود را با کالایی که در تولید آن کارایی ندارد، مبادله کند، تولید کل هر دو کالا در جهان افزایش خواهد یافت. این اضافه تولید را کشورهای طرف تجارت بین یکدیگر تقسیم می‌کنند. این در واقع تعمیم منافع حاصل از تقسیم کار (و مبادله) در سطح مناسبات بین‌المللی است. چنانچه دولت دخالت نمی‌کرد یا اقتصاد آزاد بود و همچنین تجارت بین‌الملل نیز آزاد می‌بود، منافع حاصل از تجارت به حداکثر می‌رسید؛ لذا به نظر می‌رسد که وضع محدودیت‌ها در برابر جریان آزاد کالاها و خدمات و عوامل تولید بین کشورها، با این هدف مغایر است؛ ولی در عمل همه کشورهای جهان محدودیت‌هایی را بر جریان تجارت بین‌الملل اعمال می‌کنند. این محدودیت‌ها همواره بر اساس رفاه ملی توجیه می‌شوند. در واقع این محدودیت‌ها برای حمایت از صنایع و کارگرانی که از واردات صدمه می‌بینند، وضع می‌شود. از بحث کلاسیک‌ها این‌طور به نظر می‌رسد که تجارت آزاد از خودکفایی اقتصادی برای هر کشور و بنابراین برای جهان بهتر است. با این حال تجارت آزاد شرط لازم برای حداکثر کردن رفاه جهان است اما شرط کافی نیست، چرا که توزیع درآمد میان مردم و نیز کشورها مهم است و باید در نظر گرفته شود (تقی‌زاده، ۱۳۷۰).

هکشر- اوهلین دانشمندانی بودند که اساس نظریه جدید تجارت بین‌الملل را پی‌ریزی نمودند. نظریه آن‌ها بر تفاوت بین کشورها در برخورداری از عوامل تولید و تفاوت بین کالاها در میزان استفاده از این عوامل تولید تأکید دارد، آن‌ها معتقدند کشورهایی که از سرمایه فراوانی برخوردارند اقدام به صادرات کالاهای سرمایه‌بر و کشورهایی که از وفور نیروی کار برخوردارند اقدام به صادرات کالاهای کاربر کنند (سالواتوره، ۱۳۷۶).

به طور کلی دو دیدگاه و نظریه درباره تجارت آزاد بین‌المللی وجود دارد: دیدگاه بین‌المللی و دیدگاه منطقه‌ای.

دیدگاه بین‌المللی به کنفرانس‌های بین‌المللی تحت نظارت موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات^۴) توجه دارد و از طریق انجام مذاکرات بین‌المللی درصد کاهش عوارض گمرکی و از بین بردن سایر موانع تجاری در جهت تحقق تجارت آزاد در جهان است. دیدگاه منطقه‌ای به توافق میان کشورها تأکید داشته و هدف آن نیز آزادی تجارت میان کشورهای منطقه با حفظ

³ Bradbury

⁴ General Agreement on Tariffs and Trade

موانع گمرکی برای سایر کشورهای جهان است (دولت‌شاهی، ۱۳۹۲). در ادبیات، دامنه گسترده‌ای از اصطلاحات درباره این مناطق آمده است. از جمله، مناطق آزاد اقتصادی^۵، منطقه آزاد صادرات^۶، منطقه آزاد تجاری^۷، منطقه آزاد صنعتی^۸، منطقه صنعتی^۹، پارک صنعتی^{۱۰}، پارک صادرات^{۱۱} و مناطق ویژه اقتصادی^{۱۲} (چین). با این حال، اصطلاح مناطق پردازش صادرات^{۱۳} در سطح بسیار گسترده‌تری مورد استفاده قرار گرفته است. به هر حال تأسیس این مناطق آن‌چنان مورد توجه و استفاده کشورهای مختلف قرار گرفته است که تا سال ۲۰۰۶ حدود ۳۵۰۰ منطقه پردازش صادرات، پارک یا بندر آزاد در ۱۳۰ کشور جهان به ثبت رسیده و در این میان کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین در استفاده از این مناطق پیشرو بوده‌اند.

در سه دهه اخیر صحنه روبرویی دو استراتژی توسعه یعنی استراتژی جایگزینی واردات و استراتژی توسعه صادرات بوده است. بسیاری از کشورها تحت تأثیر عقاید رائل پریش^{۱۴} و گونار میردال^{۱۵} به استراتژی جایگزینی واردات روی آوردند. عدم موفقیت نسبی این استراتژی، موجب آن شد تا بسیاری از این کشورها در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ استراتژی توسعه صادرات را برای صنعتی شدن برگزینند؛ اما عدم دستیابی این کشورها به بازارهای جهانی برای تولیدات صنعتی خود و عدم برخورداری از شرایط تجارت آزاد موجب بالا رفتن قیمت‌های تمام‌شده و کاهش قدرت رقابت کالاهای صنعتی این کشورها گردیده است. لذا در این کشورها ایجاد مناطق آزاد به‌عنوان عملی‌ترین روش و اولین گام در جهت برقراری شرایط تجارت آزاد شناخته شده است (رحمانی، ۱۳۷۶).

۲. استراتژی‌های تجاری^{۱۶}

استراتژی‌های تجاری در دو گروه عمده تقسیم‌بندی می‌شوند: الف) استراتژی‌های درون‌گرا^{۱۷} ب) استراتژی‌های برون‌گرا^{۱۸}.

"استراتژی‌های درون‌گرا" مبتنی بر نگاه به داخل هستند. استراتژی‌های جانیشینی واردات^{۱۹} از جمله استراتژی‌های درون‌گرا است. در سیاست جانیشینی واردات تولید کالاهای وارداتی و کاهش واردات آن کالاها دنبال می‌شود. این استراتژی در نهایت در پی دستیابی به این آرمان است که جامعه به‌جایی برسد که بتواند مشابه کلیه کالاهای وارداتی را در داخل تولید کند. به همین دلیل گاه از آن با عنوان "استراتژی نیل به خودکفایی" نیز نام برده می‌شود بنابراین، سیاست جانیشینی واردات می‌تواند تا حدی جوابگوی بازارهای داخلی باشد در چارچوب این استراتژی‌ها، اعمال محدودیت‌های لازم از طریق وضع تعرفه‌های سنگین برای حمایت از صنایع داخلی و اعطای یارانه به تولیدکنندگان داخلی اعمال می‌شود (جهرمی).

"استراتژی‌های برون‌گرا" مبتنی بر نگاه به بیرون (خارج) هستند. در این نوع استراتژی‌ها صنایعی مدنظر قرار می‌گیرند که پتانسیل و توان رقابت در سطح بین‌المللی را دارا باشند و بتوانند به تدریج در اقتصاد جهانی ادغام شوند. کشوری در این راه موفق می‌شود که در آن، زمینه رقابت و نوآوری به‌ویژه در بخش تولیدی اقتصاد فراهم شود و در فرآیند پیشرفت

⁵ Economic Free Zone (EFZ)

⁶ Free Export Zone (FEZ)

⁷ Free Trade Zone (FTZ)

⁸ Industrial Free Zone (IFZ)

⁹ Industrial Zone (IZ)

¹⁰ Industrial Park (IP)

¹¹ Export Park (EP)

¹² Special Economic Zones (SEZ)

¹³ Export Processing Zones (EPZ)

¹⁴ Raol perbish

¹⁵ Gunnar Myrdal

¹⁶ Trade Strategies

¹⁷ Inward Looking Strategies

¹⁸ Outward Looking Strategies

¹⁹ Import substitution industrialization

تکنولوژی قرار گیرد. استراتژی توسعه صادرات از جمله استراتژی‌های برون‌گرا است. از دهه ۱۹۷۰ تردیدهای زیادی درباره موفقیت سیاست جایگزینی واردات در حل مسائل توسعه کشورها ایجاد شد و موجب تقویت موضع اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک - که صادرات را علت رشد و توسعه اقتصادی می‌دانستند - گردید. توسعه صادرات معرف گرایش به آزادی در تجارت بین‌الملل است. منظور از راهبرد توسعه صادرات، صادرات محصولات غیر سنتی (اعم از کالاهای اولیه کشاورزی و معدن)، نیمه ساخته و کالاهای ساخته‌شده (محصولات کارخانه‌ای) می‌باشد، به صورتی که جانشین سنتی کالاهای اولیه گردد. سیاست توسعه صادرات منجر به تخصیص منابع در جهت استفاده از مزیت‌های نسبی توأم با کارایی و گسترش کیفیت می‌شود. استدلال شده که رشد برون‌گرا و مبتنی بر صادرات به رشد بیشتر بهره‌وری کل عوامل تولید منجر می‌شود (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۷). موفقیت‌های چشمگیری که در کشورهای آسیای دور از اتخاذ سیاست توسعه صادرات در دهه‌های اخیر کسب کرده‌اند از یک سو و عدم موفقیت‌های کشورهای بلوک شرق که به دنبال اقتصاد بسته و درون‌گرا رفته‌اند، ارجحیت استراتژی توسعه صادرات بر استراتژی جایگزینی واردات به شمار می‌آید. کشورهای چین، کره جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ، سنگاپور، مالزی، تایلند نمونه‌های بارزی از کشورهای موفق در امر صادرات صنعتی هستند. این کشورها با ایجاد "مناطق پردازش صادرات" و در نتیجه افزایش امکان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روند رشد کالاهای صنعتی خود را تسریع بخشیده‌اند (کاظم وفاداری، ۱۳۸۱).

۳. مناطق آزاد^{۲۰}

ایجاد جاذبه برای حرکت سرمایه به سمت کشور، نیازمند ابزارهایی است. یکی از آن‌ها که در اغلب کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه امروزی از آن استفاده شده، ایجاد مناطق آزاد بوده است. مناطق آزاد تجاری، طبق تعریف سازمان توسعه صنعتی ملل متحد^{۲۱}، به‌عنوان محرکه‌ای در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی می‌گردد. بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد، محدوده حراست شده بندری و غیر بندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زائد ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین، سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید (شاکری و سلیمی، ۱۳۸۵). مناطق آزاد، در دنیا به‌عنوان پنجره‌ای برای همگامی و هم‌پیوندی اقتصادی کشورها با اقتصاد جهانی، ایجاد رشد و تحول در صادرات و بهره‌مند شدن از سرمایه‌ی داخلی و خارجی جهت دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی، ایجاد و افزایش اشتغال و انتقال تکنولوژی ایجاد شده‌اند. ایده‌ی ایجاد مناطق آزاد تجاری به پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که در آن کشورهای زیادی به استقلال رسیدند، این کشورها درصد برآمدند تا آثار عقب‌ماندگی را از بین ببرند. پس در آن به تجارت آزاد با سایر نقاط جهان پرداختند. چنانچه کالاها را می‌توان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از این مناطق صادر کرد یا به این مناطق وارد نمود و آن‌ها را برای مدتی در انبار ذخیره و در صورت لزوم بسته‌بندی و مجدداً صادر کرد. کالاهایی که از منطقه آزاد تجاری به کشور میزبان وارد می‌شوند، حقوق و عوارض گمرکی مقرر را می‌پردازند. مناطق پردازش صادرات علاوه بر تسهیلات فوق، ابنیه و خدمات موردنیاز جهت تولید، تبدیل مواد خام و کالاهای واسطه‌ای وارداتی به محصولات نهایی را به هدف صدور آن‌ها و برخی اوقات جهت فروش در بازار داخلی، به شرط پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معمول فراهم می‌نمایند. از این جهت منطقه آزاد پردازش صادرات ناحیه صنعتی ویژه‌ای است که تولیدات آن جهت‌گیری صادراتی دارند. تسهیلات این مناطق جهت جلب سرمایه‌گذاران خارجی و تسهیل استقرار آن‌هاست و معمولاً با مشوق‌های دیگری نیز همراه است.

20 Free Zone

21 United Nations Industrial Development Organization-UNIDO

* از مهم‌ترین عوامل موفقیت یک منطقه آزاد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

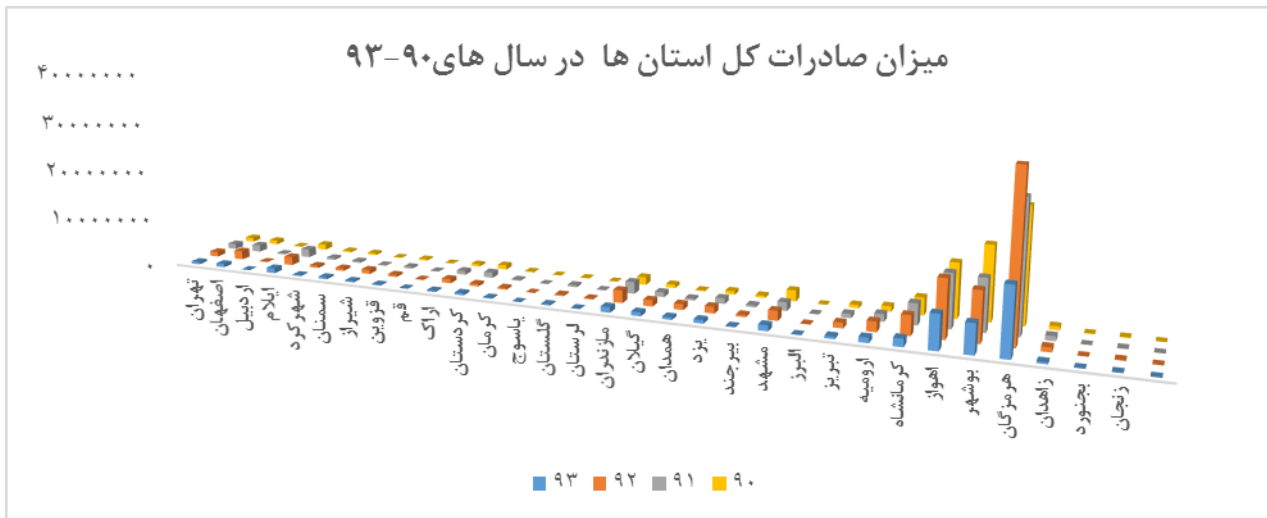
- قانونمندی پیشرفته و به دور از بروکراسی و ثبات و پایداری آن، علاوه بر تبیین باید‌ها و نبایدها در زمینه سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات، بیمه، اشتغال، مقررات انتظامی و امنیتی، ورود و خروج اتباع بیگانه و. مشوق‌های خوبی برای جذب سرمایه و فعالیت‌های صادراتی نظیر معافیت ۱۵ ساله مالیاتی، معافیت عوارض گمرکی و. در نظر گرفته شده است.

- فراهم نمودن زیربناها و زیرساخت‌های اقتصادی: تقریباً در کلیه مناطق آزاد دنیا، کشور میزبان از طریق بودجه عمومی دولت زیربناهای لازم نظیر فرودگاه، اسکله، مخابرات، برق و. را در منطقه آزاد فراهم می‌آورد.

- مکان‌یابی صحیح (دسترسی به بازار مواد اولیه، بازار مصرف، نیروی انسانی): مناطق آزاد باید از لحاظ موقعیت جغرافیایی و دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی، چه از نظر تأمین مواد اولیه و چه ترانزیت و صدور کال‌های ساخته شده بسیار مطلوب باشد. همچنین دسترسی به نیروی انسانی با قیمت ارزان (نسبت به کشورهای همسایه) و همچنین دسترسی به مواد اولیه و انرژی ارزان باید از مزیت‌های مکانی مناطق آزاد باشند. (مرتضی الویری).

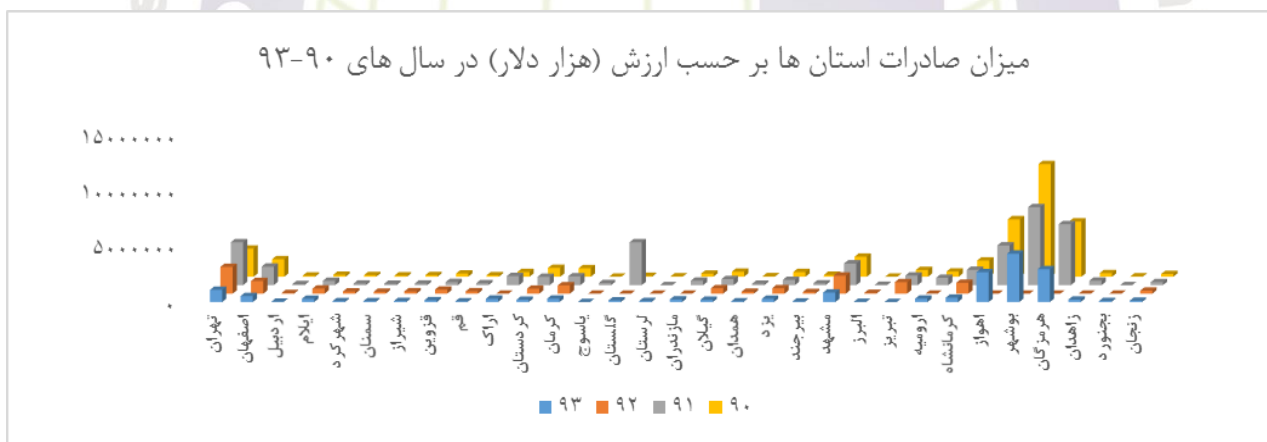
۴. بررسی بازرگانی خارجی در ایران

تفکر اصلی ایجاد مناطق آزاد در ایران از سال ۱۳۳۰ شمسی شکل گرفت و با تدوین برنامه اول توسعه به دولت اجازه داده شد تا در سه نقطه (کیش، قشم و چابهار) اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاری صنعتی کنند. اکنون در ایران چند منطقه آزاد تجاری وجود دارد که شامل مناطق آزاد تجاری-صنعتی (چابهار، قشم و کیش، اروند، انزلی، اروند و ماکو) می‌باشد. همان‌طور که قبلاً گفته شد استراتژی اصلی مناطق آزاد صادرات است؛ اما متأسفانه، مناطق آزاد ایران نتوانستند تاکنون به این مهم دست یابند و در اقتصاد ایران از جایگاه مناسبی برخوردار شوند (کامران، ۱۳۸۱). میزان صادرات کل ایران در سال ۱۳۹۰، ۶۶۴۸۶۶۰۱/۱ تن به ارزش ۳۳۸۸۲۰۰۰۰۰۰ هزار دلار و در سال ۱۳۹۳، ۳۸۶۶۳۸۳۲/۵ تن به ارزش ۱۶۶۸۵۰۶۰۰۵۲ هزار دلار بوده است و طبق نمودار (۱) مشاهده می‌شود، بالاترین رتبه‌ی صادرات را در سال ۱۳۹۰، استان‌های هرمزگان با سهم ۳۴/۱ درصد، بوشهر ۲۳/۱ درصد، اهواز ۱۶/۳، کرمانشاه ۵/۳، مشهد ۳/۳، مازندران ۲/۳ درصد و ارومیه ۱/۶ درصد کل صادرات کشور را دارا می‌باشند و در سال ۱۳۹۳ بالاترین رتبه‌ها مربوط به استان‌های هرمزگان با سهم ۳۴/۷ درصد، بوشهر ۱۷/۶ درصد، اهواز ۱۷/۶، کرمانشاه ۴/۱، مشهد ۳ درصد، مازندران ۲/۸۳ درصد و ارومیه ۲/۵ درصد کل صادرات کشور را دارا می‌باشند که در کل صادرات کشور در بین استان‌های با رتبه بالا، روند کاهشی داشته است. اما پایین‌ترین رتبه‌ها را در سال ۱۳۹۰، استان‌های لرستان با ۰/۱ درصد، بجنورد با ۰/۰۸ درصد، البرز با ۰/۰۲ درصد و قم ۰/۱ درصد دارا می‌باشند، استان البرز ۰/۰۷ درصد، قم ۰/۰۸ درصد، اردبیل ۰/۱ درصد، لرستان ۰/۱۸ درصد از کل صادرات کشور را دارا می‌باشند. در این بین استان کردستان در سال ۹۰ با ۱/۳ درصد رتبه‌ی ۱۵م و در سال ۹۳، با رتبه‌ی ۱۵م، ۱/۱ درصد از صادرات کل کشور را دارا می‌باشد (یافته‌های پژوهش).



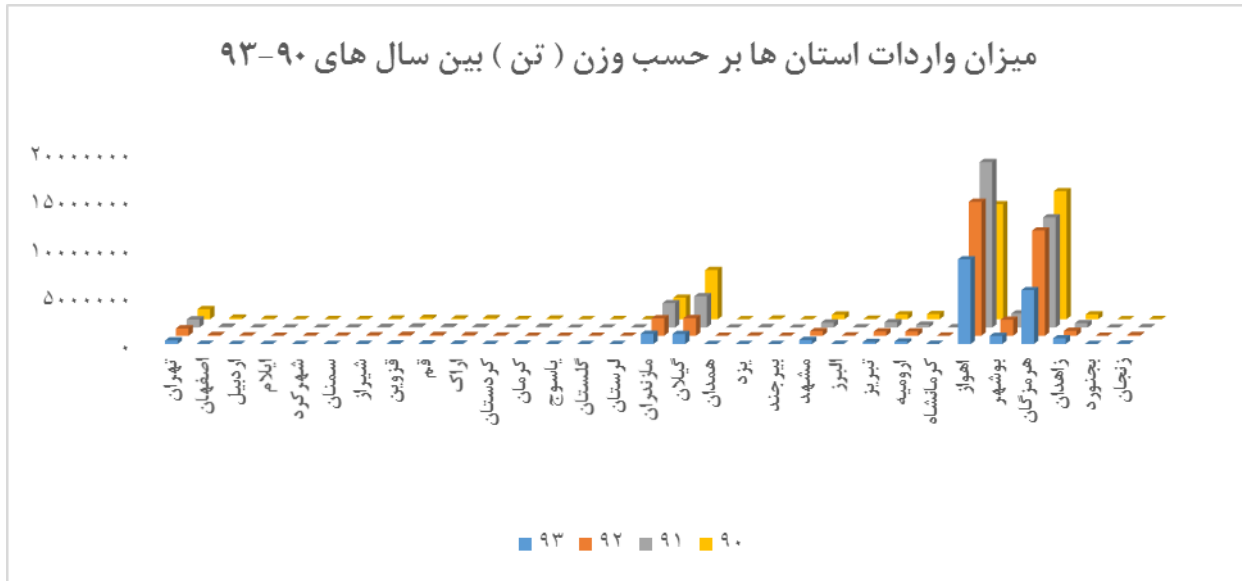
شکل ۱: میزان صادرات کل استان ها بر حسب (تن) در سال های ۹۰-۹۳

در نمودار (۲) ارزش صادرات کل ایران به تفکیک استان ها بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ نشان داده شده است که بالاترین ارزش ها مربوط به استان های بوشهر، هرمزگان، اهواز، تهران، اصفهان، کرمانشاه هستند و پایین ترین رتبه ها را استان های بیرجند، اردبیل، لرستان، قم دارا می باشند. در این بین، رتبه ی میزان صادرات استان کردستان بین ۸-۱۶ متغیر بوده است.



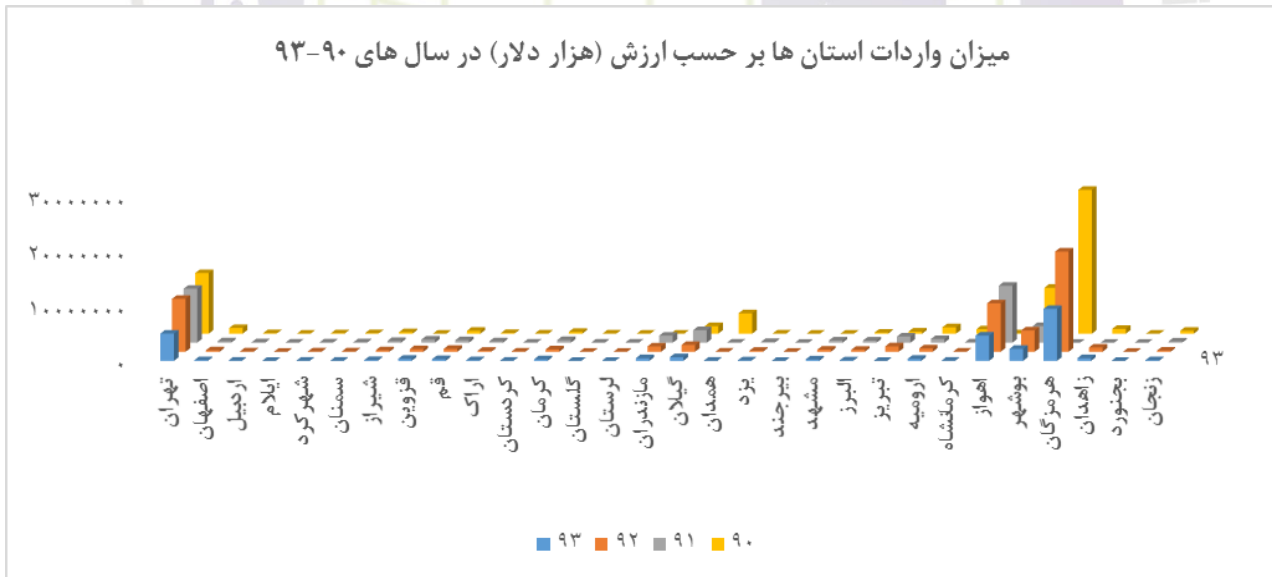
شکل ۲: میزان صادرات استان ها بر حسب ارزش (هزار دلار) در سال های ۹۰-۹۳

در نمودار (۳) میزان واردات استان های ایران بر حسب تن در سال های ۹۰-۹۳ مقایسه شده اند. طبق آن مشاهده می شود در سال ۹۰، هرمزگان ۳۳/۳ درصد، اهواز ۳۱/۲ درصد، بوشهر ۴/۲ درصد، گیلان ۱۳/۳ درصد، زاهدان ۲/۸ درصد، تبریز ۱/۳ درصد، ارومیه ۱/۴ درصد، تهران ۰/۸۲ درصد و در سال ۹۳، اهواز ۳۱/۲ درصد، بوشهر ۴/۲ درصد، هرمزگان ۳۳/۳ درصد، مازندران ۵/۴ درصد، زاهدان ۳/۱ درصد از کل واردات کشور از طریق این استان ها وارد می شود. در این میان استان کردستان در سال ۹۰ با ۰/۰۶ درصد رتبه ۲۲ و در سال ۹۳ با سهم ۰/۰۲ درصد از کل واردات کشور رتبه ی ۲۳ را دارا می باشد (یافته های پژوهش).



شکل ۳: میزان واردات استان ها بر حسب وزن (تن) بین سال های ۹۰-۹۳

طبق نمودار (۴) واردات به تفکیک استانی نشان داده شده است که بیشترین واردات مربوط به هرمزگان، بوشهر، اهواز، تهران، گیلان، مازندران، تبریز بوده است و در واردات استان کردستان رتبه ۲۳ را دارا است.



شکل ۴: میزان واردات استان ها بر حسب ارزش (هزار دلار) در سال های ۹۰-۹۳

۵. ضرورت ایجاد مناطق آزاد در کردستان

مقایسه شاخص های توسعه اقتصادی شهرهای مرزی با دیگر مناطق کشور، از وجود نابرابری در امر سرمایه گذاری و توجه دولت به این مناطق حکایت دارد. برای مثال استان های مرزی در شاخص های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رده های آخر استان های کشور قرار دارد به عنوان یک شاخص کلیدی می توان به درآمد سرانه اشاره کرد که به عنوان مثال بر اساس نتایج حساب های منطقه ای سال ۱۳۹۵ میزان درآمد سرانه استان کردستان برابر ۱۵,۷۰۰,۰۰۰ ریال (یک میلیون و پانصد و هفتاد

هزار تومان) در سال بوده، در حالی که میانگین کشوری آن حدود ۳۸,۸۰۰,۰۰۰ ریال (سه میلیون و سیصد و هشتاد هزار تومان) است بر این اساس درآمد سرانه استان تنها حدود ۴۶/۴ درصد درآمد سرانه میانگین کشوری است و از حیث این شاخص، استان رتبه ۲۹ را در کل کشور به خود اختصاص داده است از طرف دیگر سهم استان کردستان از کل تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۸۵ تنها حدود ۰/۹۵ درصد یعنی کمتر از یک درصد بوده است و از این لحاظ حائز رتبه ۲۳ در کل کشور است. مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران از نقاط محروم کشور به شمار می‌آیند؛ طبیعت منزوی مناطق مرزی ایران پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. همچنین، نبود زمینه‌های مساعد برای اشتغال، وقتی برنامه‌ای مناسب برای کارآفرینی وجود نداشته باشد، ساکنان این مناطق بالاجبار، برای گذران زندگی و تأمین معیشت خانواده به دنبال شیوه‌های جدید کسب و کار از جمله شغل‌های کاذب و قاچاق می‌پردازند (امینی نژاد و بوجانی، ۱۳۸۳). در مناطق کردنشین ایران قاچاق به‌عنوان قسمتی از سیستم اقتصادی درآمده و بخش‌های دیگر اقتصاد این مناطق نیز به آن وابسته شده است که از جمله آن می‌توان به درآمدهای حمل و نقل، اصناف و بازاریان و حتی توریسم نیز اشاره کرد.

در حالی که مرزهای شمال غرب یکی از مراکز بسیار کوچک قاچاق در کشور محسوب می‌شوند و با توجه به کوهستانی و صعب‌العبور بودن این مناطق، بخشی از حمل و جابه‌جایی کالا که توسط ماشین قابل انجام نیست، به عهده افرادی است که به آن‌ها کارگر مرزی گفته می‌شود، آن‌ها علاوه بر تقبل مسئولیت باری که بر دوش می‌کشند باید کیلومترها راه را تا رسیدن به مقصد بپیمایند و با خطرات متعددی از قبیل برخورد نیروهای انتظامی، مین‌های برجای‌مانده از دوران جنگ، وضعیت سخت آب و هوایی منطقه و... دست و پنجه نرم کنند؛ به طوری که هر ساله تعداد زیادی از این کارگران مرزی در مواجهه با خطرات فوق یا جان خود را از دست می‌دهند یا دچار نقص عضو می‌شوند

برای داشتن کشوری توسعه‌یافته با توان برنامه‌ریزی دقیق، وضع قوانین در زمینه‌های مختلف و اطمینان از اجرای دقیق آن‌ها ضروری است شرایطی فراهم شود که اجرای قوانین با صرف کم‌ترین انرژی و هزینه، امکان‌پذیر گردد و برخورد و تنش بین اعمال کنندگان قوانین و اداره شوندگان به حداقل برسد، یکی از موضوعاتی که در مناطق مرزی موجب تنش بین اعمال کنندگان قانون و مرزنشینان می‌شود، کنترل مبادلات تجاری غیر رسمی است.

به هرحال در مورد مناطق کردنشین ایران می‌توان گفت علی‌رغم سودهای آنی و کوتاه‌مدت و امرار معاش و اشتغال عده‌ای از مرزنشینان در کوتاه‌مدت، در بلندمدت آثار منفی اقتصادی قاچاق به‌مراتب از آثار مثبت آن بیشتر است که از جمله آن‌ها می‌توان به عدم شکل‌گیری اقتصاد تولید محور در این مناطق، گسترش قانون‌گریزی، توزیع نابرابر درآمد، از بین رفتن انگیزه تحصیل و فعالیت‌های اقتصادی مولد، مشکلات فرهنگی و در کل خارج شدن اقتصاد این مناطق از مسیر توسعه اشاره کرد. در ایران مسئولان وزارت بازرگانی قاچاق کالا را در مبادی خروجی و ورودی کشور، بالغ بر دو میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. این مبلغ نزدیک به ۱۰ درصد درآمدهای ارزی کشور در سال‌های شکوفایی اقتصادی است (امیر پور، ۱۳۹۰) که مقداری از طریق مرزهای شمال غرب و مناطق کردنشین کشور رد و بدل می‌شود. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در برابر چنین وضعیتی به دنبال راه‌کارهایی جهت کاهش تبعات منفی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است که یکی از این راه‌ها به رسمیت شناختن دادوستد در برخی از مبادی مرزی کشور است. (امینی نژاد و بوجانی، ۱۳۸۳). همان‌طور که پیداست کردستان از نظر منابع طبیعی و معدنی بسیار غنی بهره‌مند است و این امکانات بالقوه باید با نیروی کار و برنامه‌ریزی متخصصین بهره‌برداری اصولی شود. یکی از راه رسیدن به آن جذب سرمایه‌های خارجی و استفاده از امکانات فنی و تکنیکی ناشی از آن است تا منابع اقتصادی و امکانات را شکوفا نماید.

در حال حاضر، ۸۰ درصد از اقتصاد کشور دولتی است. این مقدار سال به سال کمتر می‌گردد؛ اگر مقداری مجال برای فعالیت وجود داشته باشد و فضای کسب و کار فضای مناسبی شود، مناطق آزاد تجاری صنعتی می‌تواند به این مهم کمک کند.

یکی دیگر از مسائلی که در اینجا مطرح است نبود مراکز جذب سرمایه‌گذاری در استان می‌باشد که ایجاد منطقه آزاد موجب جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی داخل استانی و حتی خارج استانی خواهد شد که در فرجام آن باعث ایجاد گردش

مالی در بازار و بهبود شرایط جمعی خواهد شد. بی‌شک در این راستا بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی که جرئت ریسک برای سرمایه‌گذاری را ندارند می‌توانند از تحریک منطقه آزاد، رغبت برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی منطقه آزاد را پیدا نمایند. با توجه ضرورت پیشتازی ایران در منطقه ضروری است ایران هرچه سریع‌تر وارد عمل شود و در این زمینه تلاش‌های حداکثری خود را برای تصرف بازارهای تجاری کشور عراق و حتی فراتر از آن بکار گیرد تا در نهایت این مزیت و فرصت به‌دست‌آمده بر باد نرود.

در زمینه چالش‌ها نیز، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین محدودیت موجود برای تأسیس منطقه آزادی تجاری در کردستان نبود توانمندی قابل‌اتکا در حوزه زیرساخت‌های ارتباط به‌ویژه خطوط ارتباطات ریلی، هوایی و جاده‌ای است؛ اما استان‌هایی که از نظر زیرساختی ضعیف‌اند وقتی برای آن‌ها امتیاز منطقه آزاد در نظر گرفته می‌شود، خودبه‌خود، ایجاد زیرساخت را به همراه خواهد داشت. در زمینه صنعت توریسم نیز می‌تواند موجب رشد شود. با توجه به بخشودگی‌ها و تسهیلات مختلف (۱۵ سال معافیت از مالیات و تخفیفات گمرکی و ...) که در این مناطق ارائه می‌گردد در نتیجه قیمت تمام‌شده کالا نزول پیدا می‌کند و در بازار رقابتی عراق و اقلیم کردستان، قدرت رقابت و موفقیت پیدا می‌کند.

نکته دیگری که در اینجا مطرح است تمایز منطقه وجود آزاد در کردستان نسبت به سایر مناطق خواهد داشت، بحث هم‌جواری با کشور عراق می‌باشد. با توجه به وقوع جنگ‌های پیاپی در کشور عراق و ظهور پدیده داعش سیستم تولیدی این کشور به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است و رو به زوال است. در نتیجه این منطقه و حتی کشوری مانند سوریه می‌تواند از منطقه آزاد بانه و مریوان به‌عنوان جایگاهی برای دریافت کالای تولیدی ایرانی بهره‌گیرند.

نتیجه‌گیری

شاید چون مشخصه‌ها و ابعاد مناطق آزاد تجاری در ایران هنوز برای بسیاری از افراد تبیین شده نیست. به همین دلیل قضاوت‌های متفاوتی از این زمینه‌ی گسترش فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی می‌شود. فلسفه اصلی ایجاد مناطق آزاد، سیاست ساختار اقتصادی و صادراتی است. به‌طور کلی حمایت دولت است که باعث گسترش مناطق آزاد-تولیدات صنعتی و صادراتی و ایجاد تکنولوژی-صدور نیروی کار و هماهنگی با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی می‌شود. از مهم‌ترین اهداف ایجاد مناطق آزاد جهان توسعه صادرات است و در کنار این هدف، اهداف دیگری نظیر ایجاد اشتغال، جذب تکنولوژی، جذب سرمایه‌های خارجی، تربیت نیروی انسانی و آشنایی عینی و تجربی با اقتصاد جهانی را دنبال می‌کند.

چندین نظریه و استراتژی جهت توسعه صنعتی ارائه شدند، از جمله آن‌ها، استراتژی تشویق یا توسعه صادرات بود که پس از سرخوردگی کشورهای در حال توسعه از سیاست جایگزینی واردات، به‌عنوان سیاستی که می‌تواند توسعه اقتصادی را به ارمغان بیاورد، توسط مؤسساتی نظیر سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) پیشنهاد و تشویق می‌شد. نکته مهم قابل ذکر این است که همان‌طور که در قلب سیاست جایگزینی واردات، حمایت از صنایع نوزاد بود، در قلب سیاست توسعه صادرات بحث ایجاد مناطق آزاد تولیدی و تجاری مطرح بود و ادعا می‌شد اگر چنین مناطقی ایجاد شود در بسیاری از کمپانی‌های خارجی انگیزه سرمایه‌گذاری در این مناطق ایجاد خواهد شد که به تبع آن، تکنولوژی جدید، اشتغال جدید و توان صادرات و ارزش آن حاصل خواهد گردید که توسعه صنعتی کشور را به دنبال خواهد داشت؛ لذا مناطق آزاد تجاری مورد توجه قرار گرفتند

در ایران، رشد صادرات غیرنفتی و اصلاح مسیر، از سیاست جایگزینی واردات و خودکفایی که تفکر حاکم بر سال‌های اولیه انقلاب بود سیاست توسعه صادرات و توجه به خوداتکایی مورد توجه جدی دولت قرار گرفت و یکی از این ابزارها، ایجاد چند منطقه آزاد تجاری در برنامه اول توسعه بود. تغییر استراتژی توسعه صنعتی از جایگزینی واردات به استراتژی توسعه صادرات، موجب تحول در مفهوم مناطق آزاد تجاری شده است. در استراتژی توسعه صادرات، تولید برای صادرات است.

منابع

- امینی نژاد، کاوه؛ بوچانی، محمدحسین (۱۳۸۳). بازارچه مرزی بانه، فرصتی برای پایداری شهر و پیرامون. ماهنامه شهرداری-ها، سال ششم، شماره ۶۳.
- اسفندیاری علی اصغر، مقدس حسین زاده سمیره، دلاوری مجید، (۱۳۸۷). ارزیابی عملکرد مناطق آزاد تجاری ایران و تأثیر آن در توسعه اقتصادی این مناطق. (۱)، ۸، ص ۱۱۹-۱۴۶.
- التجایی ابراهیم، (۱۳۸۸). مناطق آزاد تجاری و صنعتی: ابزار راهبرد توسعه صادرات در مقایسه با سه کشور دیگر آسیایی. (۲)، ۹، ۲۲۲-۱۸۹.
- الویری، مرتضی، "نقش مناطق آزاد ایران در توسعه صادرات غیرنفتی".
- پورزمانی زهرا، نادری بابک (۱۳۹۰). تأثیر عوامل پذیرش، توانایی و اختیار بر بودجه‌ریزی عملیاتی (مورد مطالعه: مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران). (۱۱)، ۳، ص ۴۷-۶۷.
- سالواتوره، دومینیک، (۱۳۸۷). تئوری و مسائل اقتصاد بین‌الملل. هدایت ایران پرور، حسن گلریز، انتشارات نشر نی، تهران.
- شادی طلب، زاله، (۱۳۷۰). نقش مناطق آزاد تجاری - صنعتی در توسعه. نامه علوم اجتماعی، (۲)، ص ۱۴۱-۱۶۸.
- شاکری، عباس و سلیمی، فریدون (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد چابهار و اولویت‌بندی آن‌ها با استفاده از تکنیک ریاضی، AHP. مطالعات طرح فراگیر مناطق آزاد، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۶، صفحات ۹۵-۱۲۹.
- رحمانی، فریده. (۱۳۷۶). بررسی تطبیقی آثار اقتصادی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و پیامدهای آن برای ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
- رستم گورانی ابراهیم، بیرانوندزاده مریم، علی زاده سیددانا، حشمتی جدید مهدی (۱۳۹۲). بررسی جایگاه مناطق آزاد تجاری جزیره قشم در توسعه پایدار و امنیت اجتماعی. (۱)، ۵، ص ۱-۲۷.
- رکن الدین افتخاری عبدالرضا، وجدانی طهرانی هدیه، رازینی ابراهیم علی (۱۳۸۸). ارزیابی و اولویت‌بندی مناطق آزاد تجاری ایران با استفاده از روش MADM. (۱۳)، ۳، ص ۱۴۳-۱۶۶.
- خوش‌چهره محمد، نقش مناطق آزاد در توسعه ملی و منطقه‌ای.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب، (۱۳۹۲). اقتصاد بین‌الملل: تجارت بین‌الملل-مالیه بین‌الملل (بازرگانی بین‌الملل). انتشارات پشوتن، تهران.
- کامران، حسن (۱۳۸۱). علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد ایران. مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۲-۳۲، صص ۱۷.
- تقی زاده، محمود، (۱۳۷۰). اقتصاد بین‌الملل. انتشارات بی‌نا، تهران.
- Aradhna Aggarwal. "Liberalisation, Multinational Enterprises And Export Performance: Evidence From Indian Manufacturing". Working Paper, No.69.
- Bradbury, S. L (2010). "An assessment of the free and secure trade (FAST) program along the Canada-US border". *Journal of Transport Policy*, 17, 367-380
- Rong-Her Chiu, Taih-Cherng Lirn, Chia-Yi Li, Bing-Yan Lu, Kuo-Chung Shang.(2011)," An Evaluation of Free Trade Port Zone in Taiwan ", *The Asian Journal of Shipping and Logistics*. 27(3), P.423-445.
- Mingjie Ji, Mimi Li, Brian King,(2015). " The Impacts of China's new free-trade zones on Hong Kong tourism", *Journal of Destination Marketing & Management*. 4(4), P 203-205.